روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۲۹ ■ چهارشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۴ رجب ۱۴۲۷ ■ ۹ آگوست ۲۰۰۶

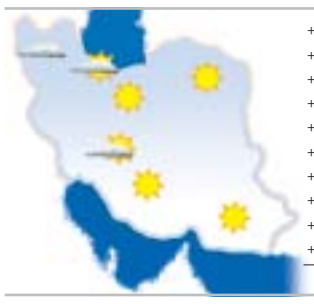

آبادان	۴۸+۳۳	بیرجند	۳۳+۲۲	سنندج	۳۹+۲۰	همدان	۳۷+۱۷
اراک	۳۹+۲۰	تهران	۳۹+۲۴	شهرکرد	۳۵+۱۶	یاسوج	۳۴+۲۲
اردبیل	۳۲+۲۱	تبریز	۴۰+۲۴	شیراز	۳۶+۲۴	یزد	۳۸+۲۲
ارومیه	۳۶+۱۹	خرم‌آباد	۳۹+۲۴	قزوین	۳۵+۲۰	دبی	۴۲+۳۸
اصفهان	۳۷+۲۰	رشت	۳۳+۲۶	کرمان	۳۴+۱۹	نجف	۴۵+۳۹
اهواز	۴۹+۳۲	زاهدان	۳۵+۲۲	کرمانشاه	۴۰+۲۰	مکه	۳۶+۳۱
ایلام	۴۰+۲۷	زنجان	۳۷+۱۹	کاشان	۴۱+۲۱	مدینه	۳۴+۳۰
بجنورد	۳۵+۲۲	زابل	۴۲+۲۸	کیش	۳۷+۳۳	لندن	۲۲+۱۷
بندرعباس	۳۷+۳۰	ساری	۳۰+۲۵	گرگان	۴۳+۲۵	پاریس	۲۵+۱۸
بوشهر	۳۵+۳۳	سمنان	۳۸+۲۲	مشهد	۳۴+۲۲	استانبول	۳۰+۲۰

تهران: اذان ظهر ۱۱:۱۲ اذان مغرب ۲۰:۱۹ اذان صبح فردا ۴۴:۳

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال پرستاران	یک	۱۵/۱۰
سریال نرگس(تکرار)	سه	۱۸/۰۰
سریال راز گنج پنهان	پنج	۱۹/۰۰
سریال راه شب	سه	۲۰/۱۰
سریال نسیم وصل	یک	۲۲/۰۰
تله تئاتر	چهار	۲۲/۰۰
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵
به خانه برمی گردیم	پنج	۱۶/۰۰

تئاتر امروز

اولئانا

تئاتر شهر ۱۹/۱۵

ددالوس و ایسکاروس

تالار سایه تئاتر شهر ۱۸/۳۰

ادامه از صفحه اول

پیراهن های شماره یک و ۱۰ (متعلق به علی دایی طی سال های اخیر) دیروز صاحبی نداشت و تابلوهای تبلیغاتی هم دورادور زمین دیده نمی شد و به این ترتیب یک فرصت خوب درآمدزایی از دست ایران پرید. به جز طالب لو هیچ یک از نفرات ما لباس «پوما» را (که طرف قرارداد تیم ملی است) به تن نداشتند و از فرهاد مجیدی هم باید گفت که به رغم داشتن سابقه ۶ساله بازی در لیگ امارات و آشنایی کامل با این حریف فقط در ۱۰ دقیقه پایانی به جای عنایتی به زمین اعزام شد و برای یکی از معدود دفعات طی ۴, ۵ سال اخیر لباس ملی را به تن کرد. این هم تاکید جدیدی بر پایان عصر برانکو و شروع یک دوره جدید برای فعالیت های تیم ملی بود و هرچند نتیجه حاصله (صفر-۱) درخشان نبود، اما به هر حال یک برد برای کادر فنی جدید و شاگردان آنها محسوب می شد. مردانی که باید چهارشنبه آینده در همین استادیوم سوریه را در کادر پیکارهای مقدماتی جام ملت های آسیا ۲۰۰۷ دیدار کنند و بازی دیروز هم برای کسب آمادگی جهت آن دیدار ترتیب داده شده بود. **ترکیب ایران در بازی دیروز: طالب لو، شکوری، صادقی، فکری، مبعلی (شجاعی ۴۶)، کاظمی، نیکبخت (بیک زاده ۷۵)، معدنچی (منیعی ۵۹)، کاظمیان (رجب زاده۵۴)، عنایتی (مجیدی ۸۰) و اکبرپور (شجاعی ۴۶).**

خبر آخر

شعله همچنان پربیننده‌ترین است

رسانه

امیر قادری: پالین کیل بزرگ روزی روزگاری گفته بود فقط آدم هایی هستند که تماشاگرها را به خاطر لذت بردن از یک فیلم تحقیر می کنند و حالا در خبرها آمده که نمایش فیلم شعله از شبکه دوم، بعد این همه سال، باز با چه استقبال عظیمی از طرف بینندگان تلویزیون روبه رو شده است. راستش خودم شعله را ندیده ام. اصلاً سینمای عامه پسند هند، به جز چند نمونه اساسی اش در سال های اخیر، از جمله «عکس» و «چشم ها»، حوصله ام را سر می برد، نمی توانم نگاه کنم. اما این باعث نمی شود که قدرت و نفوذ آدم هایی را که می توانند به این خوبی عناصر عامه پسند را کنار همدیگر بچینند، با دیده تحقیر نگاه کنم. این که هنوز که هنوز است، صنعت سینما و داستان و موسیقی نداریم، یک دلیل اش همین سطحی نگری ما نسبت به ارزش و اهمیت کلیشه ها و داستان های بازاری است، که معمولاً از طرف طبقه روشنفکر فرهیخته ما جدی گرفته نشده که هیچ، اصلاً وجود و حضورش انکار شده است. برای عینک زدن و پشت میز نشستن، باید انرژی راه رفتن و جست زدن را از خودمان بگیریم و این وسط، آن چیزی که قربانی می شود، نیروی محرکه قوی است که در چنین محصولاتی نهفته است. اگر سینمای عامه پسند هند (یا فیلمفارسی خودمان) اغلب اینقدر پیش پا افتاده جلوه می کنند، به خاطر عناصر درون شان نیست، به خاطر اجرای بد و پر از بی سلیقگی است که این کلیشه های دوست داشتنی را از ما گرفته است. به هنرمندهای غیر اسنوب و فهمیده تاریخ سینما توجه کنید که چطور انرژی سرکوب شده این محصولات عامه پسند را گرفته و به شکل متعالی آزاد کرده اند. از سرجو لئونه بگیرید تا رابرت آلدریچ و کوئنتین تارانتینو. عناصر داستانی بنیادین فیلمی مثل «کازابلانکا»، چقدر با مثلاً «قانون» آمیتا باچان فاصله دارد؟ دیشب رفتم فیلم پنهان میشائیل هانه که را سینما فرهنگ دیدم و هنوز گیجم. یک محصول روشنفکرانه درجه یک. اما فیلم هانه که، همان قدر که به دلیل ایده های سیاسی و اجتماعی اش اهمیت دارد، به این خاطر تاثیر می گذارد که سازنده اش قبل از هر چیز، بلد است یک تریلر میخکوب کننده بسازد. تازه آن وقت است که می نشینیم و به این نکته فکر می کنیم که آن تصاویر ویدیویی فیلم را بالاخره کی گرفته است؟ نکند کار بزرگترین کارگردان عالم، یعنی خداست؟ یک داستان اخلاقی متعالی، این طوری با قالب های عامه پسند قوام می گیرد. جماعت نشسته اند و هنوز دارند شعله را می بینند. دل مجله های روشنفکری ما به قضاوت زمان خوش بود، آن هم که دارد به نفع رامش سیپی و شعله تمام می شود. حاصل کار ما هم شده فیلمفارسی های قلابی که این روزها روی پرده اند. مثل هر چیز دیگری، کلیشه ها وقتی تاثیر می گذارند که به دست کسانی به کار بروند که به این کلیشه ها ایمان دارند.

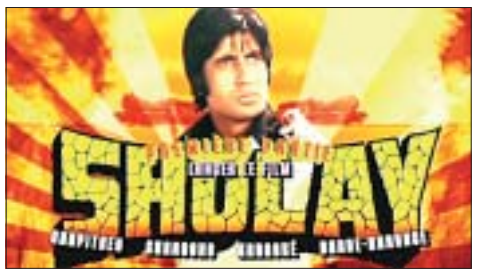

بازگشت به اعصار قدیم

وصال روحانی: یک خانواده آلمانی به عنوان بخشی از برنامه یک موزه در کشورشان به مدت ۱۰ روز به اعصار قدیم و آنچه عصر برنز خوانده می شود، رجعت خواهند کرد. این خانواده که بورن گرابر نام دارند و از منطقه گوپینگن آلمان می آیند، طی مدت مذکور لباس هایی یکسان را به تن کرده و غذایی مشابه را خورده و در همان لانه ها و آشیانه هایی زندگی می کنند که مردم سه هزار سال پیش زندگی می کردند و هرگز از آن حالت در نخواهند آمد. مارگرت ۴۷ساله و شوهرش اوتو بورن گرابر ۴۶ساله و فرزندانشان آنا و استفان که ۱۵ و ۱۳ سال دارند، در دو سال اخیر برای حضور در این پروژه تدارک می دیده اند.

انفجار در آشپزخانه

چه خبر

مردی که کف آشپزخانه منزلش را با معجونی از مایع پاک کننده و بنزین پاک و شست وشو می کرد، خانه اش را به آتش کشید. شعله های آتش با دیگ جوشانی که در آشپزخانه وی بر روی اجاق گاز بود، شدیدتر شد و انفجار سبب گشت پنجره ها و چهارچوب آن خرد و به بیرون پرت شوند و به سقف و دیوارها لطماتی اساسی وارد شود. این اتفاقات در خانه مردی به نام ران کاکس در منطقه اسکان تورپ انگلیس روی داد و شدت صدمات وارده به حدی است که وی مجبور شده است برای انجام شدن تعمیرات اساسی آنجا را موقتاً ترک گوید.»

در آینه

نگاه عکاس

بحبوحه جنگ. تصویر جوانی لبنانی در آرایشگاهش که از عکاس می خواهد عکسی از او نگیرد. اما تصویری که بر آینه افتاده، گویای همه چیز است.

دموکرات جنگ طلب در تلاش برای بقا

حاشیه سیاست

خشایار تبریزی: جو لیبرمن یکی از نامزدهای سرشناس حزب دموکرات آمریکا که تلاش می کند شاید بتواند رئیس جمهور بعدی آمریکا بشود به خاطر دفاع از سیاست های جنگ طلبانه بوش در لبه پرتگاه موقعیت سیاسی خود قرار گرفته و ممکن است در رقابتی تنگاتنگ با ند لامنت سیاستمداری تازه کار اما ضدجنگ، شکست بخورد. لیبرمن تا به حال سه دور در مجلس سنای آمریکا نماینده بوده و شش سال پیش یکی از نامزدهای مطرح پست معاونت ریاست جمهوری آمریکا محسوب می شد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نوشته، آخرین نظرسنجی ها نشان می دهد که لامنت از لیبرمن پیشی گرفته است. قرار است این دو در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری آمریکا در ایالت کانتیکت با یکدیگر رودررو بشوند. لیبرمن گفته حتی اگر شکست بخورد به عنوان نامزد مستقل به فعالیت های سیاسی خود ادامه خواهد داد. برخی لیبرمن را محکوم کرده اند که او از سیاست ها جورج دبلیو بوش حمایت می کند. یکی از رای دهندگان به آسوشیتدپرس گفت: «او بیشتر از هر چیز دیگری شبیه به جورج بوش است. من فکر می کنم لیبرمن عروسک خیمه شب بازی بوش است.» ویلیام کلمنت ۵۷ ساله که یک معلم است هم درباره لیبرمن می گوید: «من به طور کامل از لامنت طرفداری می کنم. من فکر می کنم که لیبرمن ما را به بوش فروخت و از سیاست های او و خودش چندشم می شود.» روزنامه گاردین نوشته که لیبرمن سرانجام مجبور شده از سیاست های خود دفاع کند. او در یک سخنرانی گفت: «ببینید، من جورج بوش نیستم.» انتخابات

مقدماتی ایالت کانتیکت از این جهت توجه را به خود جلب کرده چون دموکرات هایی که از سیاست های جنگ طلبانه آمریکا حمایت کرده اند آرای خود را در بین هوادارانشان از دست داده اند. هیلاری کلینتون نامزد دموکرات ها در نیویورک هم در این بین مستثنی نبوده است. با این حال، خود لیبرمن می گوید که اعتقاد دارد هوادارانش دوباره دارند به سمت او بازمی گردند. او می گوید: «فکر می کنم کمی به سمت دیگر رفته اند تا برایم پیامی بفرستند.» او ادامه می دهد: «من پیام آنها را دریافت کردم...»

ادامه سرمقاله

بسیاری از موشک هایی که به صورت دسته های ۲۰ یا ۳۰تایی به شهرهای اسرائیل شلیک می شوند و بعضاً تعداد آنها در روز به ۳۰۰ هم رسیده است. اما نکته مهم این است که پتانسیل نظامی ای که موشک های قسام یا غیرقسام با برد کوتاه و میان برد آن را نمایندگی می کند، عملاً و به تدریج تبدیل به یک توان نظامی بومی می شود. قبل از حزب الله، نیروهای حماس نیز با ساختن موشک هایی که دقت چندانی هم نداشتند شهرک ها یا بیابان های اطراف شهرک ها را هدف قرار می دادند. اما به تدریج برد موشک ها و دقت شلیک آنها افزایش می یابد. این همان پتانسیلی است که پیچیدگی چندانی ندارد و تکنولوژی های ساده حول و حوش مرزهای اسرائیل نیز قادر به ساخت و تامین قطعات آنها هستند. نبرد اخیر حزب الله و اسرائیل حداقل این واقعیت ساده را نشان داد که هرچند ارتش اسرائیل هر روز قدرتمندتر می شود، اما به واسطه تحولات نظامی که نمی توان مانع آن شد، امنیت شهرک های یهودی نشین کمتر و کمتر می شود و عملاً اسرائیل در چنین چارچوبی اندکی بیش از گذشته باید مذاکره و مسامحه را مدنظر قرار دهد. اسرائیلی ها برای یک دوره کوتاه می توانند شهرک کریات شیمونه را تعطیل کنند و ساکنان آن را با حقوق و مزایا به تعطیلات اجباری بفرستند. اما به نظر می رسد احتمالاً پارامترهای نظامی و امنیتی به نحوی غیرمحسوس در حال متحول شدن هستند. از سویی لبنان امروز یک لبنان تازه از جنگ داخلی برگشته نیست و نیز حزب الله دیگر یک گروه نظامی بی نام و نشان محسوب نمی شود. حزب الله در حال حاضر عهده دار تعدادی از وزارتخانه های کابینه لبنان است و نیز تعدادی از کرسی های پارلمان لبنان به آن تعلق دارد. مواضع سیاسی دولت لبنان در تماس با رایزنی های دیپلماتیک همگی حاکی از ملاحظه این پتانسیل نظامی امنیتی قابل توجه در لایه های سیاسی اجتماعی این کشور است. مواضع سیاسی دولت لبنان در قبال بحران جاری به گونه ای بوده است که گویی نقش شاخه هماهنگ سیاسی یا شاخه هماهنگ دیپلماتیک حزب الله را بازی می کرده است و عملاً در جریان این درگیری چهارهفته ای هیچ موضع گیری مخالفی علیه حزب الله اتخاذ نکرده است. از سویی موضع گیری حزب الله نیز برخلاف موضع گیری های دو دهه گذشته بسیار سیاسی تر و منطقی تر به نظر می رسد. گردانندگان حزب الله تاکنون ضمن اینکه نسبت به هرگونه خلع سلاح از خارج هدایت شده مقاومت کرده اند، از هر موضع گیری به نفع پایان مخاصمه و درگیری نیز استقبال کرده اند. معادلات سیاسی و منطقه ای و نیز فعال تر شدن بخش سیاسی حزب الله عملاً در آینده ای نه چندان دور حزب الله را به سمت و سویی خواهد برد که کاربرد سلاح برای تشکیلات آن اولین و در دسترس ترین گزینه نباشد. اما تجربه ای که از نبرد چهار هفته گذشته باقی ماند، حاکی از آن است که وزن سیاسی حزب الله نیز در چارچوب سیاسی لبنان به شدت ارتقا پیدا کرده و عملاً حزب الله به دولتی نسبتاً پذیرفته شده در داخل دولت لبنان تبدیل خواهد شد. گروه چریکی که بتواند حتی برای یک روز ۳۰۰ موشک را به سوی اهدافی پراکنده در قلمرو دشمن شلیک کند، حزب سیاسی قدرتمندی است که خوب یا بد در همه صحنه ها وزن خود را بر کل مجموعه سیاسی لبنان نشان خواهد داد. قطعنامه مشترک فرانسه و آمریکا احتمالاً طی دو سه روز آینده به نحو جدی تری در شورای امنیت مورد مذاکره و احتمالاً مورد توافق قرار خواهد گرفت. در این قطعنامه از حزب الله و اسرائیل خواسته شده به عملیات نظامی خاتمه داده شود تا زمینه برای تصویب قطعنامه های تکمیلی فراهم شود. اساسی ترین نکته در قطعنامه این است که هیچ پیش شرطی مبنی بر آزادی بی قید و شرط دو سرباز گروگان گرفته شده اسرائیلی گنجانده نشده است. همین عاملی است که نمایانگر حاکم شدن معادلات جدیدی در جنوب لبنان است. ممکن است تصویب قطعنامه چند روز دیگر به طول انجامد و بحث پیرامون آزادی زندانیان و روشن شدن تکلیف مزارع شبعا بحران را اندکی بیشتر کشدار نماید. با این حال حتی اگر ادامه رایزنی ها به این منجر شود که حزب الله در یک چارچوب زمانی برای تن دادن به خلع سلاح مهیا شود، حتی پذیرش خلع سلاح از سوی حزب الله نیز از موضع قدرت آن بوده است نه از موضع ضعف.

بازگشت قلندران روز پدر

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

دوست نداشتم، پیرمردان به همین سادگی و بی سر و صدایی برگردند. قطعاً توقع «ردکارپت» نداشتم، اما کم کم گوسفندی یا که مرغی یا که یاکریمی کاش سر می بریدند که چشم زخم از این آفتاب های لب بام برگردد... اگرچه پیرمردان رضایت ندارند حتی خون از دماغ چهارپایی یا که دوپایی بریزد... راستی، تا یادم نرفته روز پدر را خدمت همه پدرها و پدربزرگ های بالقوه و بالفعل تبریک عرض کنم.

آقای کپورچالی: روز پدر که همه می دانند محض دلخوش کردن مردان است. صرفاً برای اینکه اینها حس کنند که هستند و وجود دارند وگرنه پدر کیلو چنده؟

آقای مویدی: پدر یعنی برده. یعنی مرد بدبختی که به اندازه هشت اسب بخار کار می کند و وسایل رفاه و آسایش فراهم می کند و بعد هم به صرف اینکه وضع حمل نمی کند، همه چیز به اسم مادر تمام می شود.

آقای امیرشاهی: من نمی دانم اگر خداوند، این بارداری و وضع حمل را هم به گردن مردها می گذاشت، آن وقت این زن ها توی این عالم چه کاره بودند؟

آقای روشن ضمیر: تا حالا حامله نشدی بدانی چه مصیبتی است. همه این کارها که مرد می کند یک طرف، وضع حمل و حاملگی هم یک طرف... البته بنده هم تا حالا خودم بالشخصه حاملگی را تجربه نکردم، اما در این باره از این و آن سئوال بسیار کرده ام. یک بار وضع حمل باور کنید به یک عمر بردگی نمی ارزد.

آقای کپورچالی: والله، زحمت و تلاش ما هم کم از وضع حمل نبوده. ما بردگان بی زنجیری بوده ایم که با اینکه می توانستیم به خانه هایمان برنگردیم با این حال بعد از انجام اعمال شاقه دوباره به اسارتگاه های خود برگشتیم و به روز از نو روزی از نو رضایت دادیم.

آقای مویدی: ولی این حرف ها را کنار بگذارید. زن و مرد باید دوش به دوش یکدیگر، زندگی را جلو ببرند.

آقای کپورچالی: دوش به دوش نه یکی قلمدوش دیگری.

آقای امیرشاهی: ولی واقعیتش را بخواهی روز پدر بسیار سمبلیک و الکی است. برای اینکه نهایت یک جفت جورابی یا یک دستمال جیبی یا یکی از عصاهای «مید این چینی» که دانه ای دو هزار و پانصد تومان قیمت دارد، هدیه می دهند. روز مادر گردنبند و عطر و سرویس طلاجواهر و سکه کادو می دهند، به پدر که می رسند به یک جوراب قناعت می کنند.

آقای روشن ضمیر: به بنده یک شاخه گل داده اند، با یک شعر نو. نوه ام هم یک نقاشی از پدربزرگش کشیده، کانه اشقیای پرده نقاشی. شعر نو را که همان لحظه پیچیدم دور گل که خار گل دستم را جیز نکند. نقاشی را هم گفتم فعلاً تا من زنده ام نزنید تا ببینم بعداً چه می شود. اما روز مادر باید می بودی ببینی چه سنگ تمامی گذاشته بودند.

آقای کپورچالی: همین روزنامه شرق. روز زن یادت هست چه کادویی به زن ها داد و چه تبریکات بی شائبه ای نثار بانوان محترمه کرد. اما روز مرد، دریغ از یک [...]

آقای مویدی: از حسین یاغچی پرسیدم گفت: [...] را جهت تقدیم، فعلاً توی آبلیمو خوابانده اند.

آقای امیرشاهی: دست آخر هم بچه ها می گویند مادر یک چیز دیگر است. «سلطان غم ها مادر».

آقای کپورچالی: مظهر بدبختی و بردگی و فلاکت هم پدر. کت بده کالا بده، دو غاز و نیم بالا بده...

آقای روشن ضمیر: سخت نگیرید. تازه همه اینها در شرایطی است که زن ها احساس مظلومیت می کنند و معتقدند که مردسالاری حاکم است.

آقای کپورچالی: آن وقت می گویند چرا می نشیند پشت هم چای دم می کنید؟ پس چه کنیم؟ با این همه درد و مصیبت جز «چای» چه باید کرد. بده ساقی می باقی که سیخ داغ است و قلندر بیکار...

mirfattah@yahoo.com

یاد

یاد یک همکار قدیمی

اکبر منتجبی: عادت کردیم که در روز خبرنگار، هر سال یک خبر بد بشنویم. امسال نیز که خوش خیال بودیم بی اتفاق ۱۷ مرداد را سر می کنیم خبر آمد که اجل جان یک همکار خوب و قدیمی ما را گرفته است. مهدی یزدانی از جمله مردان نیک مطبوعات بود. از روزنامه صبح امروز که مدیریت فنی را برعهده داشت با او آشنا شدیم و تا این اواخر همچنان او را پرکار و پرحرارت می دیدیم. در کیهان نیز همزمان مشغول کار بود. بی دغدغه از شور و حال سیاسیون، به کاری که می کرد عشق می ورزید. نه چپ بود و نه راست اما با راستگرایان می نشست و با چپگرایان برمی خاست. خوش مشرب بود و اهل تقوی و کمتر کسی بود که وقتی خبر را شنید، افسوس نخورد که اجل این بار، در بزنگاه ۱۷ مردادماه، جان یک دوست را گرفته است. به یاد و احترام او سکوت می کنیم و به افتخارش که بی نیاز در مطبوعات ماند و به آن فخر فروخت، می ایستیم.

پیام تبریک
هنرجوی محترم، خانم شهرزاد پژمان
کسب رتبه دوم آزمون سراسری ۸۵ را به شما و خانواده محترمتان تبریک عرض می نماییم.
سارا اجیرلو رتبه ۵ - هانیه حسینی رتبه ۱۸ - پردیس غره بگلو رتبه ۲۶
غاطره نادری نیا رتبه ۳۵ - سرین فرح الهی رتبه ۷۳ - نفیسه کمره ای رتبه ۹۲
مریم فریبرزی رتبه ۹۲
موسسه فرهنگی هنری مکعب هنر
تحصیل با کمره ای

کانون فرهنگی آموزش
دعوت به همکاری
از کلیه‌ی دارندگان مدال‌های جهانی و کشوری و همچنین کسانی که سابقه‌ی تالیف، تدریس و مشاوره در این زمینه دارند دعوت به همکاری می‌نماید.
جهت تکمیل فرم و تعیین زمان مراجعه‌ی حضوری تماس بگیرید.
روابط عمومی ۶۶۹۶۲۴۰۰ ۶۶۹۶۲۵۰۰
به همراه داشتن ۲ قطعه عکس و کپی شناسنامه و کپی مدارک الزامی است

قابل توجه شهروندان محترم استان‌های
قم و قزوین
هر روز نیازمندیهای شرق
به‌همراه روزنامه در استان‌های قم و قزوین عرضه می‌شود
از روزنامه فروشی ها بخواهید